

ORIGINAL ARTICLE**Identifying the Factors Influencing the Realization of Inclusive City, Case Study: Tabriz Metropolis****Ahmad Asadi^{*1}**, **Mohsen Ahadnejad Roshti²**

1. Assistant Professor,
Department of Geography &
Urban Planning, Bozorgmehr
University of Qaenat, Qaen,
Iran.

2. Associate Professor,
Department of Geography &
Urban Planning, University of
Zanjan, Zanjan, Iran.

Correspondence

Ahmad Asadi

Email: asadi.2004@gmail.com

Received: 18/July/2023

Revise: 18/Dce/2023

Accepted: 14/Apr/2024

How to cite

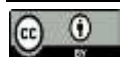
Asadi, A., & Ahadnejad
Roshti, M. (2025).
Identifying the Factors
Influencing the Realization of
Inclusive City, Case Study:
Tabriz Metropolis. *Urban
Ecological Research*, 16(1),
37-54.

ABSTRACT

The increasing urbanization and the emergence of spatial imbalances in most cities around the world has put the issue of reducing inequality in accessing a variety of resources, interests and facilities at the focus of most experts and international organizations. In this regard, the result of different points of view is the presentation of inclusive city approach to face all kinds of inequalities and imbalances. Considering the importance of planning inclusive cities, the aim of this research was to investigate the factors affecting the realization of the inclusive city in Tabriz metropolis. The research method in the present study is mixed (quantitative-qualitative) with practical purpose and descriptive-analytical nature, in order to analysis the information, was used partial least squares model in Warp-PLS software. The statistical population of the research also includes managers, officials and academic elites of Tabriz metropolis, and the sample size is determined by using Cohen's formula to be 100 people. The findings of the research show that the greatest impact on the realization of the inclusive city of Tabriz is related to the variables of unit management, knowledge-oriented, the content of plans and programs, and coordination and participation, respectively, the coefficients extracted based on the structural model of the research for each of them are 0.71, 0.66, 0.63 and 0.59. Among the most important reasons for the importance of these variables in the realization of Tabriz's inclusive city is the functioning of the municipal organizations and the lack of a pervasive perspective, the lack of use of various science professionals, and the new approaches to the urban management system, the lack of flexibility and future approaches. In the urban management system and the lack of coordination and participation between the city -run organizations and among the urban organizations with the people.

KEY WORDS

Equality, Spatial Balance, Sustainable Development, Inclusive City, Tabriz Metropolis.



پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری

سال شانزدهم، شماره یک، (پیاپی سی و هشتم)، بهار ۱۴۰۴، (۵۴-۳۷)

Doi:10.30473/GRUP.2024.68584.2799

E-ISSN: 2538-3949

P-ISSN: 2538-3930

«مقاله پژوهشی»

شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر، پژوهش موردی: کلان‌شهر تبریز

id

احمد اسدی^{۱*}، محسن احدنژاد روشتی^۲

id

چکیده

افزایش فزاینده شهرنشینی و بروز عدم تعادل‌های فضایی در بیش‌تر شهرهای جهان، بحث کاهش نابرابری‌ها در دسترسی به انواع منابع، منافع و امکانات را در کانون توجه بیش‌تر صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی قرار داده است. در این راستا، ماحصل دیدگاه‌های مختلف، ارائه رویکرد شهر فراگیر برای مواجهه با انواع نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها می‌باشد. با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی شهرهای فراگیر، هدف از پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر در کلان‌شهر تبریز است. روش تحقیق در مطالعه حاضر آمیخته (کمی-کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل مدیران، مسئولان و نخبگان دانشگاهی کلان‌شهر تبریز می‌باشد که تعداد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوهن ۱۰۰ نفر تعیین شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیش‌ترین تأثیرگذاری بر تحقق شهر فراگیر تبریز مربوط به متغیرهای مدیریت واحد، دانش‌محوری، محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها و هماهنگی و مشارکت می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۶۶، ۰/۶۳، ۰/۵۹ و ۰/۵۹ محاسبه شده است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت این متغیرها در تحقق شهر فراگیر تبریز می‌توان به تفرق عملکردی در سازمان‌های شهری و نبود دیدگاه همه‌جانبه‌نگر، عدم بهره‌مندی از متخصصان علوم مختلف و رویکردهای نوین در نظام مدیریت شهری، عدم بهره‌مندی از طرح‌های انعطاف‌پذیر و آینده‌نگر، حاکمیت رویکرد تکنوکرات‌گرا در نظام مدیریت شهری و عدم شکل‌گیری هماهنگی و مشارکت بین سازمان‌های اداره‌کننده شهر و بین سازمان‌های شهری با مردم اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی

برابری، تعادل فضایی، توسعه پایدار، شهر فراگیر، کلان‌شهر تبریز.

۱. استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهر قانات، قائن، ایران.
۲. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

نویسنده مسئول: احمد اسدی
رایانامه: asadi.2004@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

استناد به این مطالعه:

اسدی، احمد و احدنژاد روشتی، محسن (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر، پژوهش موردی: کلان‌شهر تبریز. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۶(۱)، ۵۴-۳۷.



مقدمه

افزایش شهرنشینی، نارضایتی افراد محروم و آسیب‌پذیر در شهرها، افزایش نگرانی و آگاهی نهادهای بین‌المللی به‌منظور کاهش نابرابری و همچنین ظهور اندیشه‌های برنامه‌ریزی مشارکتی و ناکارآمدی رویکردهای متداول برنامه‌ریزی، از مهم‌ترین دلایل شروع گفت‌وگوهای شهر فراگیر در ادبیات برنامه‌ریزی هستند (UN, 2019). سازمان‌ها و نهادهای بزرگ بین‌المللی مانند سازمان ملل و بانک جهانی، به‌منظور ارائه راه‌حل جامع و مشترک برای خروج از این چالش‌ها، اسناد، دستورالعمل‌ها و راهبردهای مختلفی ارائه کرده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به دستورالعمل ۲۰۳۰ یا همان سند اهداف توسعه پایدار^۱ اشاره کرد که با حضور ۱۹۴ کشور در سپتامبر سال ۲۰۱۵ با هدف درک حقوق همه انسان‌ها به تصویب رسید (Gong and Lyu, 2017). این دستورالعمل شامل ۱۷ محور اصلی توسعه پایدار بوده که هر محور متناظر با یک هدف کلان است و از ۱۶۹ هدف خرد تشکیل شده است که باید تا سال ۲۰۳۰ محقق شوند. در این بین، شهرها که از مهم‌ترین ارکان اجرای این اهداف هستند، نقش بسیار کلیدی در رسیدن به این اهداف ایفا می‌کنند. یازدهمین محور در این سند به‌طور مستقیم به موضوع شهرها و جوامع پایدار اشاره می‌کند که یکی از مهم‌ترین اهداف خرد آن دستیابی به جوامع فراگیر^۲ است (Rachmawati, 2017).

از سوی دیگر در سال ۲۰۱۶، پس از برگزاری کنفرانس هیئات ۳، دستورالعمل جدیدی برای دستیابی به توسعه پایدار شهری با اجماع رهبران سیاسی جهان به تصویب رسید. یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های این نشست، اطمینان از دسترسی همه شهروندان به خدمات اساسی و اولیه زندگی در شهرها بوده است (Parnell, 2016). بنابراین می‌توان عنوان کرد که شهر فراگیر همسو با اهداف توسعه پایدار می‌باشد و در گفت‌وگوهای بین‌المللی مختلف مورد تأکید قرار گرفته است (Cheliotis, 2020; Michał & Sylwia, 2019). همچنین شهر فراگیر از لایه‌های مختلف شامل خدمات شهر، فناوری، زیرساخت‌ها و سیستم‌های مدیریتی تشکیل شده است (Yigitcanlar & Lee, 2014) و هدف از ایجاد آن بهبود کیفیت زندگی مردم شهر از لحاظ ایمنی، رفاه، آسایش (Wang & Liu, 2022) و فراهم آوردن فرصتی است تا شهروندان راحت‌تر، با ایمنی بیش‌تر

و در محیطی سالم‌تر با استفاده از فناوری‌های فراگیر زندگی کنند (Collins & Stadler, 2020).

با توجه به اهمیت کاربست رویکرد شهر فراگیر در نظام برنامه‌ریزی و مدیریتی شهرها، در اسناد فرادست شهری و فراشهری ایران نیز به ضرورت دستیابی به جامعه‌ای یکپارچه، منسجم و برخوردار از عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف تأکید ویژه‌ای شده است و مسئولان بلندمرتبه کشور همواره اهمیت این موضوع را بیان کرده‌اند. در این راستا، مدیران و تصمیم‌گیران شهری با شعار توزیع برابر منابع میان همه ساکنان شهر و ایجاد فضاهای شهری و خدمات همه‌شمول به‌دنبال برقراری عدالت و شهر فراگیر هستند، اما عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب شهرها موجب گردیده که گروه‌های فرودست از منافع توسعه محروم گردیده و مناطق مسئله‌دار و حاشیه‌ای شهر با حداقل امکانات به‌عنوان نمود بارز این نابرابری‌ها در بیش‌تر شهرهای ایران نمایان گردند. بنابراین بررسی عوامل تأثیرگذار بر تحقق شاخص‌های شهر فراگیر در شهرهای ایران ضروری بوده و تحقیق حاضر با این هدف در کلان‌شهر تبریز اجرا شده است.

کلان‌شهر تبریز طی چند دهه اخیر با افزایش فزاینده جمعیت روبه‌رو بوده که این موضوع باعث گسترش بافت‌های نابسامان با سیمای نامطلوب، پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی، تراکم جمعیت بالا، فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و مسکن کم دوام گردیده است. از طرفی نظام مدیریتی شهری حاکم بر کلان‌شهر تبریز نیز پاسخگوی مسائل این بافت‌های نابسامان نبوده و دوقطبی شدن شهر از منظر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و عدم تعادل در توزیع فضایی منابع و خدمات را موجب شده است. همچنین عدم طراحی مناسب فضاهای مختلف شهری و تأکید بر همه‌شمولی آن‌ها باعث گردیده که دسترسی عموم مردم به این فضاها با محدودیت‌های مواجه گردد. بنابراین افزایش جمعیت، مشکلات مدیریتی در نظام برنامه‌ریزی و طراحی شهر و عدم وجود ساختارهای حمایت‌کننده اقتصادی-اجتماعی از گروه‌های آسیب‌پذیر، تحقق شهر فراگیر را در کلان‌شهر تبریز ضروری ساخته است. در این راستا، هدف از تحقیق حاضر پاسخگویی به سؤال زیر می‌باشد:

✓ مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر در کلان‌شهر تبریز کدامند؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

شهر فراگیر یکی از رویکردهای مهم مطرح شده در ادبیات

1. Sustainable Development Goals (SDG)

2. Inclusive Community

3. HABITAT III

مشارکت دارند و دسترسی به امکانات و خدمات اساسی به‌ویژه مسکن قابل استطاعت و آب، فاضلاب و برق ارزان قیمت مهیا می‌باشد.

سینگرو و نایکلینفیلد^۵ (۲۰۱۷)، این نوع شهر را در رویکردی چندبعدی و یکپارچه و در ابعاد مختلف فضایی، اجتماعی و اقتصادی تعریف کرده‌اند. لمایر و کر^۶ (۲۰۱۷)، بیان داشته‌اند که در شهر فراگیر منافع اقتصادی به‌طور عادلانه در بین تمامی مردم توزیع می‌گردد. این موضوع توزیع عادلانه سایر امکانات و خدمات شهری را نیز موجب می‌شود. دی اولویرا نتو^۷ (۲۰۱۸)، نیز دسترسی عادلانه به خدمات عمومی مقرون به صرفه، مسکن و زیرساخت‌های اساسی را از ویژگی‌های شهر فراگیر عنوان کرده است. بنابراین در شهر فراگیر فرصت‌های برابر برای تمامی اقشار در دسترسی به انواع منابع و منافع فراهم می‌باشد و نظام مدیریتی نقشی مهم از منظر شناخت وضعیت موجود و گروه‌های آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی استراتژیک در این زمینه ایفاء می‌کند (Douglas, 2017; Rachmawati, 2017). همچنین افزایش رقابت‌پذیری شهر و ایجاد محیطی بدون محدودیت زمانی و مکانی از طریق انواع تجهیزات فناوری اطلاعات و ارتباطات در خدمت شهروندان از دیگر اهداف شهرهای فراگیر است (Lee et al., 2008). با بررسی مبانی نظری در حوزه شهر فراگیر می‌توان گفت با وجود تفاوت در تعریف این مفهوم در بین صاحب‌نظران، تأکید بر برابری و عدالت نقطه اشتراک آن‌ها می‌باشد.

از طرفی، بررسی‌ها در این مفهوم حاکی نشان می‌دهد که اولین پایه‌های نظری در راستای شهر فراگیر، مربوط به طراحی شهرها برای طول عمر بر مبنای طراحی همه‌شمول می‌باشد که تمام عمر از کودکی تا کهنسالی را مورد توجه قرار می‌دهد (Lemaire & Kerr, 2017). در واقع به نظر اکثر کارشناسان طراحی طول عمر به رویارویی با نیازهای افراد متناسب با تغییر در توانایی آن‌ها از تولد تا مرگ می‌پردازد. این نوع طراحی با درنظر گرفتن تغییرات سنی و یا توانایی‌های فیزیکی به افراد اجازه استفاده حداکثری از محیط را می‌دهد. در واقع طراحی برای طول عمر، محیط و محصولاتی را شامل می‌شود که به نیازها و توانایی‌های افراد از کودکی تا بزرگسالی توجه دارد. این تعریف تمام نیازها را از تولد تا مرگ شامل شده و تغییرات توانایی‌های افراد را در یک پروسه در بر می‌گیرد (Livingston, 2008).

برنامه‌ریزی شهری به‌منظور کاهش نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های فضایی در سطوح شهرها محسوب می‌گردد (Belabas & George, 2023; Gao et al, 2023). نخستین ایده‌های این رویکرد که جزء رویکردهای اجتماعی تئوری‌های نوین برنامه‌ریزی است، در اجلاس جهانی توسعه اجتماعی سال ۱۹۹۵ در شهر کپنهاگ مطرح گردیده است. در این اجلاس شهر فراگیر به‌عنوان جامعه‌ای برای همگان مطرح شده که در آن ضمن دسترسی برابر همه به امکانات و خدمات مختلف، برخورداری از حقوق و وظایف مشخص برای شهروندان از ارکان اساسی در مدیریت شهر قلمداد گردیده است (Sdeque, 2009).

در سال ۲۰۰۱، سازمان ملل متحد در اجلاسی با عنوان ابتکار شهرهای فراگیر: رویکردی رو به پیشرفت، این نوع شهر را توانایی دسترسی تمامی افراد فارغ از جنسیت، نژاد و مذهب به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عنوان کرده است (UN-Habitat, 2001). سازمان شبکه شهرهای آفریقایی جنوبی^۱ (۲۰۰۸)، این نوع رویکرد را در راستای تحقق توسعه متعادل فضایی و احترام و ارزش به شهروندان ضروری عنوان کرده است (SACN, 2017).

بانک توسعه آسیا (۲۰۲۲)، شهر فراگیر را محیطی زیست‌پذیر و ایمن تعریف کرده که در آن دسترسی‌پذیری عادلانه و قابل استطاعت به خدمات شهری، خدمات اجتماعی و فرصت‌های زندگی برای همگان فراهم باشد (Asian Development Bank, 2022).

بنابراین، شهر فراگیر به این معنا است که کلیه سلیقه‌ها، افراد، دسته‌ها، مذاهب، جنسیت‌ها و اقلیت‌ها بتوانند در مدیریت و اداره شهر سهم داشته باشند و منافع همگی در چارچوبی عدالت‌محور تأمین شود. همچنین شهر فراگیر یکی از مفاهیم برتر در مدیریت شهری کنونی جهان است و از الزامات توسعه پایدار و حکمروایی خوب شهری است. در این شهر خدمات و امکانات مورد نیاز تمامی قشرهای جامعه مهیا می‌باشد (اسپینو، ۱۴۰۱).

طی سالیان اخیر صاحب‌نظران به تعریف این مفهوم در ابعاد مختلف پرداخته‌اند. در این راستا، شه^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، معتقدند شهر فراگیر زمینه‌ای برای دستیابی به مسکن قابل استطاعت، فرصت‌های شغلی، خدمات اساسی و برابری و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. از نظر داگلاس^۴ (۲۰۱۷)، در شهر فراگیر تمامی مردم در فرایند حاکمیتی و برنامه‌ریزی

1. Sout African Cities Network

۲. Nilson Ariel Espino

3. Shah

۴. Douglas

5. Singru and NaikLindfield

۶. Lemaire and Kerr

7. De Oliveira Neto

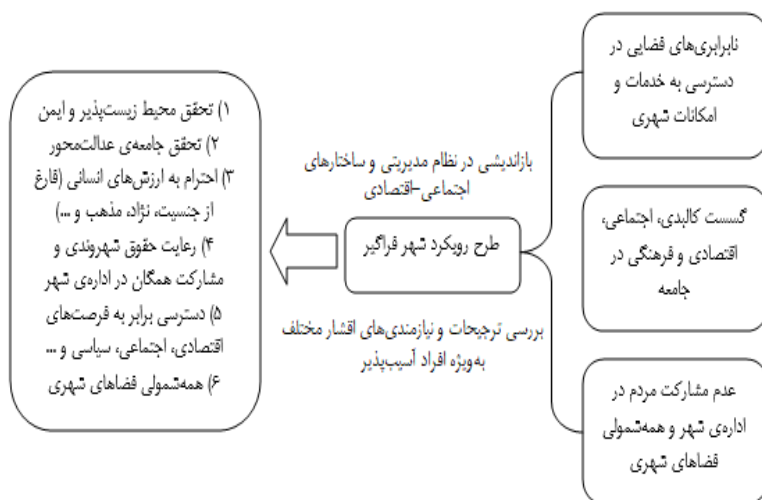


شکل ۱. فرایند توانمندی از تولد تا مرگ و نیاز به طراحی همه‌شمولی
مأخذ. نورانی، ۱۳۸۳

مداوم بین آنچه ساخته می‌شود و آنچه مردم نیاز دارند را محکوم می‌نمایند (Ostroff, 2000).

در نهایت می‌توان عنوان کرد که شهر فراگیر یکی از رویکردهای مهم در برنامه‌ریزی و طراحی شهرها محسوب می‌گردد که با در نظر گرفتن ترجیحات تمامی اقشار جامعه و نیازسنجی ترجیحات آن‌ها به دنبال تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور با مشارکت تمامی ذینفعان می‌باشد. همچنین رویکرد شهر فراگیر در پاسخ به نابرابری‌های موجود در ابعاد مختلف و تحقق شهری زیست‌پذیر و عدالت‌محور مطرح گردیده است. بنابراین می‌توان مدل مفهومی تحقیق را به شرح شکل ۲، ترسیم نمود.

بنابراین، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند بر زندگی افراد آسیب‌پذیر (معلولین، کودکان و سالمندان) تأثیر گذاشته و آن را مطلوب و مستقل و یا غیرمستقل کند، طراحی و برنامه‌ریزی فضای شهری همه‌شمول است. در این راستا، دستیابی به محیط‌های همه‌شمول به‌طوری‌که برای همه افراد اعم از پیر و کودک و جوان مناسب باشد، نیازمند اتکاء به رویکردی است که تمامی گروه‌ها را در بر گرفته و علاوه بر ارتقای کیفی زندگی افراد ناتوان، آسایش و سودمندی محیط شهری را برای دیگر کاربران نیز تأمین کند (Goldsmith, 2000). امروزه همه صاحب‌نظران در طراحی همه‌شمول هر قانونی که موجب برچسب زدن به نیازهای کاربران مختلف شود را زیر سؤال برده و شکاف



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

دارای ساکنان آفریقایی، کم‌ترین میزان دسترسی‌پذیری را دارند. همچنین محله‌های دارای ساکنان با نژاد آسیایی نیز دسترسی کم‌تری به فضای سبز شهری دارند.

لاروسا^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی با هدف ارائه چارچوب برنامه‌ریزی فضاهای سبز شهری برای لحاظ کردن نیازها و تمایلات دسترسی‌پذیری گروه‌های اجتماعی مختلف دریافتند که نابرابری میان گروه‌های اجتماعی مانند کودکان و سالمندان در دو شهر ناگویای ژاپن و کاتانیای ایتالیا در دستیابی به انواع مختلف فضاهای سبز شهری وجود دارد.

مایود^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، در تحقیق خود به ارائه چارچوبی در سطح منطقه‌ای برای سنجش و ارزیابی فراگیری و عدالت در دستیابی به مراکز بهداشتی و درمانی در سه شهر بزرگ از منطقه آمریکای شمالی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شهر پورتلند، بیش‌ترین میزان نابرابری را در دسترسی‌پذیری به کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها دارد. به‌طوری‌که حدود ۷۵ درصد سالمندان این شهر دسترسی نامناسبی به بیمارستان‌ها دارند و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها دسترسی‌پذیری مناسب به کلینیک‌های بهداشتی ندارند. همچنین در هر سه شهر مورد بررسی، افراد کم درآمد قابلیت دستیابی کم‌تری در مقایسه با افراد پر درآمد دارند. بنابراین عدم دسترسی برابر به مراکز بهداشتی و درمانی در سطح این سه شهر قابل مشاهده است.

السایل^۴ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان «آیا شهرهای خلاق می‌توانند فراگیر باشند؟»، به بررسی سه شهر دب، آمستردام و تورنتو پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که خلاقیت همیشه بر فراگیر بودن غالب است. همچنین تنها آن دسته از منافع فراگیر شدن در اولویت قرار می‌گیرند که به خلاقیت می‌افزایند یا حداقل در تضاد با خلاقیت نیستند. ژائو^۵ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان «آیا شهر فراگیر واقعی ظهور خواهد کرد؟»، نقشه‌برداری از نقاط قوت و ضعف سیستم‌های رتبه‌بندی شهرها، به این نتایج دست یافته‌اند که اگر چه برای اکثر سیستم‌های رتبه‌بندی، اطلاعات ضروری برای درک نحوه تولید نتایج قابل‌بازایی است، با این‌حال انگیزه‌های ایجاد این رتبه‌بندی شهرها می‌تواند اخلاقی یا سودمند یا ترکیبی از هر دو باشد. بنابراین با توجه به برخی از معیارهای ناقص و یا جهت‌گیری نسبت به ابعاد و

پیشینه پژوهش

رحیم‌زاد مدنی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی دسترسی‌پذیری گروه‌های آسیب‌پذیر به خدمات عمومی با رویکرد شهر فراگیر، کلان‌شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که حدود ۳۱ درصد از مساحت اراضی دارای جمعیت شهر تهران دسترسی‌پذیری کم‌تر از متوسط دارند که توزیع فضایی آن‌ها نشان دهنده استقرار بیش‌تر این مناطق در نواحی نزدیک به مرز و همچنین مناطق غربی و جنوبی است. از سوی دیگر مناطق مرکزی و شمالی شهر تهران، دسترسی‌پذیری مناسب و بسیار مناسبی دارند که حدود ۴۰ درصد از مناطق مسکونی تهران را تشکیل داده‌اند. نتایج تحلیل گروه‌های آسیب‌پذیر نیز بیان‌کننده سکونت بیش از ۳۰ درصد زنان، کودکان و بی‌سوادان در مناطق دارای سطوح دسترسی‌پذیری پایین‌تر از متوسط است. در مجموع با ارزیابی اطلاعات استخراج شده از میان گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ترتیب مهاجران، سالمندان و بیکاران بهترین شرایط و همچنین خانوارهای دارای معلولیت، زنان و بی‌سوادان وضعیت نامناسب‌تری از سایر گروه‌ها دارند.

اسدزاده و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی وضعیت کلان‌شهر تهران را بر مبنای شاخص‌های شهر فراگیر مورد تحلیل قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت کلان‌شهر تهران از نظر پراکنش شاخص‌های شهر فراگیر بسیار نامناسب است. ابعاد بهداشت و درمان، حکمروایی، فرهنگ و گردشگری، آموزش، مسکن، حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، شهروندان، تجارت، سیستم مالی به ترتیب بیش‌ترین کمبودها (زیر ۵۰ درصد) را دارند. ابعاد خدمات، محیط زیست، شبکه انرژی و شبکه آب به ترتیب تنها بخش‌هایی هستند که وضعیت شاخص‌ها (بالای ۵۰ درصد) در آن‌ها به مراتب بهتر است. به‌طور کلی طبقه‌بندی ابعاد نشان داد که ۱۳/۳۳ درصد ابعاد در وضعیت خیلی خوب، ۱۳/۳۳ درصد در وضعیت خوب، ۲۰ درصد در وضعیت متوسط، ۴۰ درصد در وضعیت ضعیف و ۱۳/۳۳ درصد در وضعیت بسیار ضعیف قرار دارند. موجودیت شاخص‌ها نیز نشان داد که ۳۳/۷۶ درصد شاخص به‌طور کلی وجود ندارند. ۴۲/۸۵ درصد از شاخص‌ها به‌صورت ناقص و تنها ۲۳/۳۷ درصد از شاخص‌ها به‌صورت کامل وجود دارند.

دای^۱ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای با موضوع ارزیابی نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و همچنین مذهبی-نژادی در دسترسی به فضای سبز شهری نشان داد که محله‌های

2. La Rosa

3. Mayaud

4. Alsayel

5. Zhao

به‌دست آمده و با جاگذاری در فرمول فوق حجم نمونه ۱۰۰ نفر برآورد شده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بوده است.

$$n = (3/8416 \times 0/0650) \div 0/0025 = 100$$

در این پژوهش به‌منظور سنجش اعتبار درونی نیز ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این راستا با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به‌دست آمده از ۲۰ پرسشنامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. جهت تحلیل و بررسی میزان صحت سؤال‌های پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل نیز با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان ضرایب آلفای تمامی سؤال‌ها محاسبه گردیده است. براساس محاسبات انجام گرفته ضرایب آلفای تمامی سؤال‌ها پرسشنامه بزرگ‌تر از ۰/۷ و ضریب آلفای کل ابزار، ۰/۸۲۴ به‌دست آمد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش از مدل حداقل مجذورات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS استفاده شد. مؤلفه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر به شرح جدول ۱، می‌باشد.

شاخص‌های خاص، ارزیابی شهر فراگیر مشکل خواهد بود. لانزا^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقیق خود با عنوان «اندازه‌گیری دسترسی براساس مجاورت برای یک شهر فراگیر» در شهر بلونیا^۲/ایتالیا به این نتایج رسیدند که دسترسی به برخی از خدمات و منافع اقتصادی-اجتماعی در شهر بلونیا نیازمند بازنگری می‌باشد. همچنین ساختارهای اقتصادی-اجتماعی بایستی با هوشمندسازی شناسایی افراد آسیب‌پذیر به توزیع مناسب منافع اقدام نماید.

بررسی مطالعات پیشین نشان داد که اکثر پژوهش‌ها به بررسی وضعیت موجود پرداخته‌اند و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق این رویکرد در نظام برنامه‌ریزی و مدیریتی شهرها مورد غفلت قرار گرفته است. علت‌یابی مؤلفه‌های اثرگذار (کاستی‌های موجود) از نوآوری‌های پژوهش حاضر تلقی می‌شود.

روش انجام پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی-کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش به دنبال توسعه دانش کاربردی در راستای شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر در کلان‌شهر تبریز بوده که بر این اساس از مدیران، مسئولان و نخبگان دانشگاهی شهر پرسشگری به عمل آمده است. در این راستا، با توجه به مشخص نبودن تعداد حجم جامعه آماری از فرمول کوهن^۳ در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

فرمول کوهن:

رابطه

۱.

$$n = \frac{z^2 S^2}{d^2}$$

در این فرمول Z یک مقدار ثابت است که به فاصله اطمینان و سطح خطا (α) بستگی دارد. با توجه به تعیین فاصله اطمینان ۹۵ درصد بنابراین d برابر ۰/۰۵ و Z برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. S نیز واریانس نمونه اولیه می‌باشد که با پرسشگری از ۲۰ نمونه اولیه از حجم نمونه به‌دست می‌آید. بر مبنای محاسبات صورت گرفته واریانس نمونه اولیه ۰/۲۵۵

۱. Lanza

2. Bologna

3. Cohen

جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر و کدبندی آنها

مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	منابع
مدیریت واحد UM	وجود یک کانون رهبری فراسازمانی برای مطالعه وضعیت موجود شهر در ابعاد مختلف به‌ویژه مطالعه نیازهای گروه‌های سنی مختلف Q1، بهره‌مندی از دیدگاه‌های متخصصان مختلف شهرساز، برنامه‌ریز شهری، جامعه‌شناس، روان‌شناس و اقتصاددان در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های شهری Q2.	(Kending et al., 2014)
هماهنگی و مشارکت CP	هماهنگی و مشارکت درون و بین سازمان‌های شهری در اجرای پروژه‌های مربوط به شهر فراگیر Q3، هماهنگی و مشارکت بین سازمان‌های شهری دولتی با نهادهای خصوصی و مردمی Q4.	(Joy et al., 2020)
محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها CPP	انسجام و ارتباط مناسب بین اجزا و عناصر برنامه‌ریزی شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی و عملکردی Q5، موضوع‌شناسی مناسب محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها در بررسی ترجیحات و نیازهای مناطق مختلف در راستای برقراری عدالت فضایی Q6.	(Mohareb et al, 2019)
دانش محوری K	بهره‌گیری از تجربیات موفق جهانی در حوزه شهر فراگیر و بومی‌سازی آن‌ها Q7، برنامه‌ریزی در راستای هوشمندسازی انواع عملکردها و خدمات با در نظرگیری شرایط تمامی شهروندان Q8.	(Van Hoof et al, 2021)
مدیریت پاسخگو و حامی RSM	حمایت مناسب مالی، اجتماعی و بهداشتی از اقشار آسیب‌پذیر Q9، بهره‌مندی از دیدگاه اقشار و گروه‌های سنی و جنسی در برنامه‌ریزی و طراحی شهر Q10.	(Kending et al, 2014)
ایمنی S	توجه به امنیت و ایمنی افراد آسیب‌پذیر در عبور و مرور Q11، تأکید بر نظارت طبیعی و غیرطبیعی در فضاهای مختلف برای افزایش ایمنی شهروندان Q12.	(Satispi, 2019)
حمل و نقل T	تأکید بر حمل و نقل عمومی و پیاده‌روی در راستای ارتقاء پاکیزگی هوا Q13، طراحی مناسب ایستگاه‌های وسایل نقلیه عمومی در راستای دسترسی ایمن برای تمامی اقشار و هوشمندسازی چراغ‌های راهنما Q14.	(Kai and Leiging, 2017)
کالبد P	تعبیه رمپ‌ها و سایر موارد مورد نیاز برای اقشار آسیب‌پذیر در انواع ساختمان‌ها و خیابان‌ها Q15، بهره‌مندی از مبلمان مناسب در فضاهای مختلف شهر Q16.	(Gilbert, 2021)
عملکرد F	همه‌شمولی و طراحی فضاهای مختلف بر مبنای نیازهای گروه‌های سنی و جنسی Q17، تنوع و انعطاف‌پذیری در عملکرد فضاها بر مبنای پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی Q18.	(Mandeli, 2019)
سرزندگی و زیبایی VB	سرزندگی و شادابی فضاها و احساس آرامش روانی توسط استفاده‌کنندگان Q19، طراحی و زیباسازی فضاهای شهر بر مبنای ترجیحات اقشار و گروه‌های سنی و جنسی مختلف Q20.	(Capanema-Alvares and Barbosa, 2018)

قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. این شهر در ۴۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار مبداء واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۳۴۰ متر است. همچنین این شهر ششمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود و براساس آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، دارای ۱۷۳۳۰۳۳ نفر جمعیت بوده است.

کلان‌شهر تبریز در بطن خود شاهد انواع عدم تعادل‌ها می‌باشد که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل مشاهده است. وجود بافت‌های مسئله‌دار (فرسوده و غیر رسمی) که حدود یک سوم از جمعیت شهر و مساحت آن را به خود اختصاص داده است با گسست کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی با سایر مناطق شهر و عدم کارایی نظام مدیریت شهری در راستای توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر و ارائه برنامه‌های مناسب برای آن‌ها از مشکلات و مسائل اساسی این شهر محسوب می‌گردد. همچنین نابرابری در دسترسی به انواع خدمات و تسهیلات نیز در سطح گسترده قابل مشاهده است (طرح توسعه و عمران «جامع» شهر تبریز، ۱۳۹۵).

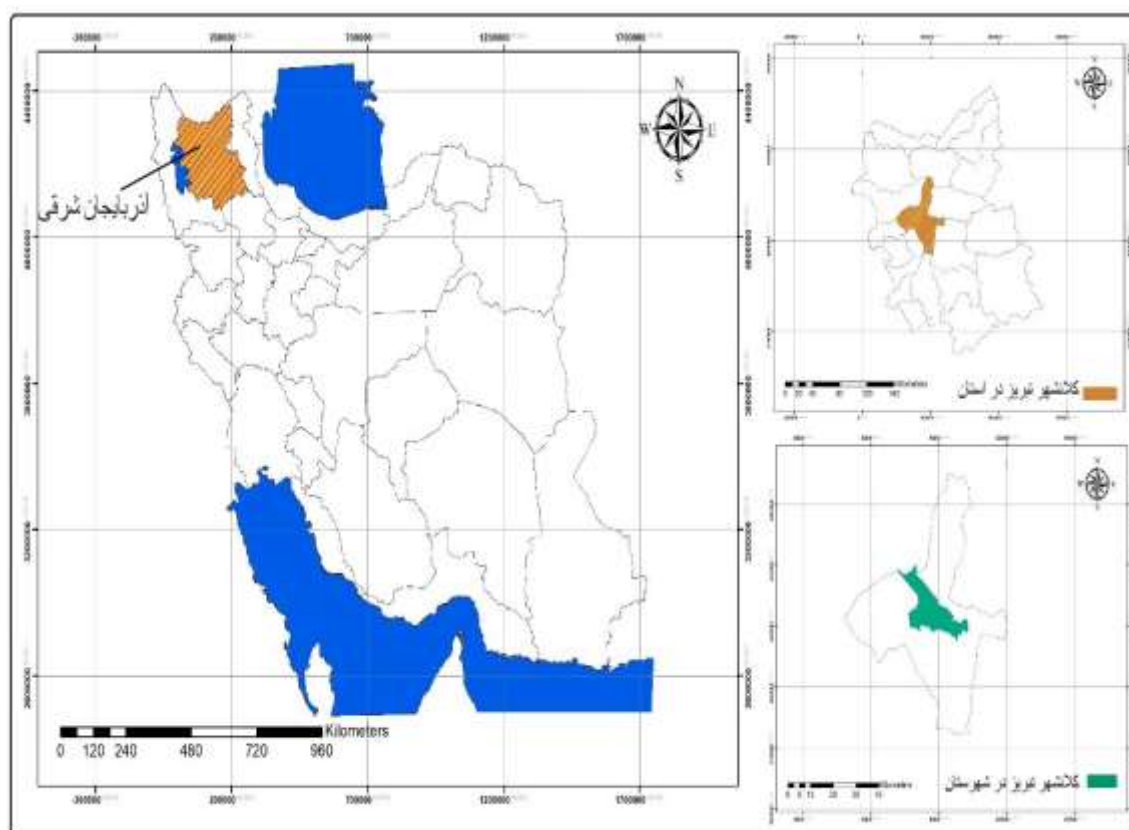
به‌طور کلی مدل حداقل مربعات جزئی در دو بخش قابل بحث و بررسی است:

الف) تحلیل و تفسیر مدل ساختاری: یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می‌بایست در دو مرحله تحلیل و تفسیر شود. ابتدا مدل اندازه‌گیری و سپس مدل ساختاری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. منظور از بررسی مدل اندازه‌گیری، بررسی وزن‌ها و بارهای متغیرهای پنهان و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر میان متغیرهای پنهان است.

ب) تحلیل مدل اندازه‌گیری: در این مرحله، تعیین می‌شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده‌اند یا خیر. بدین منظور روایی و پایایی آن‌ها بررسی شد. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از شاخص‌های متغیرهای پنهان (سازه‌ها)، سازگار درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگرا و روایی افتراقی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

محدوده مورد مطالعه

تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی یکی از شهرهای بزرگ ایران است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور بوده و



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی شهر تبریز

شاخص‌های جدول ۲، بوده که در راستای تحلیل آن‌ها از مدل حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Warp-PLS استفاده شد.

پایایی شاخص‌های متغیرهای پنهان

پایایی هر یک از شاخص‌های متغیر پنهان، در مدل PLS توسط میزان بارهای عاملی هر شاخص می‌شود. ارزش هر یک از بارهای عاملی شاخص‌های متغیر پنهان مربوطه می‌بایست بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ باشد. در جدول ۲، میزان بارهای عاملی برای شاخص‌های متغیرهای پنهان تحقیق ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمامی مقادیر سنجه‌های مرتبط با متغیر پنهان که پررنگ شده است، بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین می‌توان گفت مدل اندازه‌گیری از پایایی کافی در زمینه شاخص‌های پنهان برخوردار است.

یافته‌ها

وضعیت کلان‌شهر تبریز از منظر رویکرد شهر فراگیر، مطلوب نبوده و در این راستا از نمونه آماری به‌منظور شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق این نوع از شهر در تبریز پرسشگری به عمل آمده است. قابل ذکر است که از ۱۰۰ نفر تعداد حجم نمونه، ۲۳ نفر نخبه دانشگاهی و ۷۷ نفر مدیر و مسئول شهری بوده‌اند. همچنین حجم نمونه شامل ۳۹ نفر با مدرک دکتری، ۵۵ نفر با مدرک فوق لیسانس و ۶ نفر با مدرک لیسانس بوده است. از نظر میانگین سنی نیز ۵۳ نفر در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۳۱ نفر در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۱۶ نفر در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار داشته‌اند. از طرفی پرسشنامه تحقیق حاضر بر مبنای

جدول ۲. ارزش بارهای عاملی شاخص‌های متغیرهای پنهان

متغیر پنهان	VB	F	P	T	S	PSM	K	CPP	CP	UM	متغیر مشاهده شده
Q1	۰/۷۲۲	۰/۲۸۲	۰/۳۷۵	۰/۱۵۴	۰/۴۱۷	۰/۳۱۵	۰/۰۹۲	۰/۲۰۷	۰/۱۸۶	۰/۰۰۱	سطح معناداری
Q2	۰/۷۲۲	۰/۲۸۲	۰/۳۷۵	۰/۱۵۴	۰/۴۱۷	۰/۳۱۵	۰/۰۹۲	۰/۲۰۷	۰/۱۸۶	۰/۰۰۱	
Q3	۰/۳۷۹	۰/۷۴۵	۰/۱۶۴	۰/۲۸۹	۰/۳۱۰	۰/۳۱۹	۰/۱۲۱	۰/۴۲۳	۰/۱۶۹	۰/۰۸۷	
Q4	۰/۲۷۹	۰/۷۴۵	۰/۱۶۴	۰/۲۸۹	۰/۳۱۰	۰/۳۱۹	۰/۱۲۱	۰/۴۲۳	۰/۱۶۹	۰/۰۸۷	
Q5	۰/۱۴۶	۰/۰۸۴	۰/۷۹۱	۰/۱۲۷	۰/۴۵۸	۰/۳۱۷	۰/۲۸۴	۰/۲۸۸	۰/۰۸۵	۰/۳۶۲	
Q6	۰/۱۴۶	۰/۰۸۴	۰/۷۹۱	۰/۱۲۷	۰/۴۵۸	۰/۳۱۷	۰/۲۸۴	۰/۲۸۸	۰/۰۸۵	۰/۳۶۲	
Q7	۰/۳۲۵	۰/۳۷۷	۰/۱۵۶	۰/۷۱۶	۰/۰۵۳	۰/۲۴۶	۰/۲۶۱	۰/۴۶۲	۰/۱۸۷	۰/۲۵۶	
Q8	۰/۳۲۵	۰/۳۷۷	۰/۱۵۶	۰/۷۱۶	۰/۰۵۳	۰/۲۴۶	۰/۲۶۱	۰/۴۶۲	۰/۱۸۷	۰/۲۵۶	
Q9	۰/۱۹۱	۰/۲۹۴	۰/۳۲۶	۰/۲۶۹	۰/۷۳۱	۰/۳۰۳	۰/۳۷۵	۰/۰۷۱	۰/۳۴۶	۰/۱۰۱	
Q10	۰/۱۹۱	۰/۲۹۴	۰/۳۲۶	۰/۲۶۹	۰/۷۳۱	۰/۳۰۳	۰/۳۷۵	۰/۰۷۱	۰/۳۴۶	۰/۱۰۱	
Q11	۰/۲۰۴	۰/۱۵۹	۰/۱۱۷	۰/۱۴۴	۰/۳۷۲	۰/۷۲۸	۰/۰۰۶	۰/۲۰۹	۰/۴۱۵	۰/۰۹۴	
Q12	۰/۲۰۴	۰/۱۵۹	۰/۱۱۷	۰/۱۴۴	۰/۳۷۲	۰/۷۲۸	۰/۰۰۶	۰/۲۰۹	۰/۴۱۵	۰/۰۹۴	
Q13	۰/۰۵۵	۰/۳۱۸	۰/۳۷۴	۰/۳۲۸	۰/۱۵۶	۰/۱۸۹	۰/۷۴۰	۰/۳۶۸	۰/۲۳۹	۰/۴۳۶	
Q14	۰/۰۵۵	۰/۳۱۸	۰/۳۷۴	۰/۳۲۸	۰/۱۵۶	۰/۱۸۹	۰/۷۴۰	۰/۳۶۸	۰/۲۳۹	۰/۴۳۶	
Q15	۰/۱۸۳	۰/۱۴۱	۰/۳۸۲	۰/۲۴۱	۰/۲۹۱	۰/۲۹۷	۰/۴۷۹	۰/۷۵۳	۰/۱۰۳	۰/۲۸۱	
Q16	۰/۱۸۳	۰/۱۴۱	۰/۳۸۲	۰/۲۴۱	۰/۲۹۱	۰/۲۹۷	۰/۴۷۹	۰/۷۵۳	۰/۱۰۳	۰/۲۸۱	
Q17	۰/۳۲۷	۰/۴۵۳	۰/۴۰۶	۰/۱۳۵	۰/۱۷۳	۰/۰۷۱	۰/۲۷۰	۰/۱۸۴	۰/۷۶۴	۰/۲۵۵	
Q18	۰/۳۲۷	۰/۴۵۳	۰/۴۰۶	۰/۱۳۵	۰/۱۷۳	۰/۰۷۱	۰/۲۷۰	۰/۱۸۴	۰/۷۶۴	۰/۲۵۵	
Q19	۰/۱۰۹	۰/۲۹۱	۰/۱۷۰	۰/۰۹۴	۰/۳۸۵	۰/۴۱۲	۰/۱۴۸	۰/۱۵۲	۰/۲۴۵	۰/۷۸۵	
Q20	۰/۱۰۹	۰/۲۹۱	۰/۱۷۰	۰/۰۹۴	۰/۳۸۵	۰/۴۱۲	۰/۱۴۸	۰/۱۵۲	۰/۲۴۵	۰/۷۸۵	

پایایی سازه (سازگاری درونی)

پنهان نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، تمامی مقادیر پایایی ترکیبی، بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ نیز همگی بالاتر از ۰/۷ هستند، بنابراین مدل اندازه‌گیری از پایایی سازه مناسبی برخوردار است.

برای اندازه‌گیری پایایی سازه شاخص پایایی ترکیبی در مدل PLS ارائه می‌شود. این شاخص براساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص باید بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۷ باشد. جدول ۳، مقدار پایایی سازه را برای هر یک از متغیرهای

جدول ۳. پایایی سازه‌های متغیرهای پنهان

متغیر پنهان	VB	F	P	T	S	PSM	K	CPP	CP	UM	پایایی سازه
پایایی ترکیبی	۰/۷۱۹	۰/۷۴۵	۰/۷۲۸	۰/۷۲۳	۰/۷۳۶	۰/۷۳۵	۰/۷۵۲	۰/۷۴۱	۰/۷۶۸	۰/۷۵۰	
آلفای کرونباخ	۰/۷۲۶	۰/۷۱۱	۰/۷۰۴	۰/۷۵۲	۰/۷۲۱	۰/۷۴۴	۰/۷۳۹	۰/۷۲۴	۰/۷۶۸	۰/۷۳۱	

روایی همگرا

اطلاعات جدول ۴، تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده از ۰/۵ بیش‌تر بوده و بنابراین مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است.

روایی همگرا در مدل PLS توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تحلیل قرار گرفت. با توجه به

جدول ۴. روایی همگرایی سازه‌های (متغیرهای پنهان)

متغیر پنهان	VB	F	P	T	S	PSM	K	CPP	CP	UM	روایی همگرا
پایایی ترکیبی	۰/۷۰۳	۰/۵۹۴	۰/۶۲۹	۰/۷۱۶	۰/۶۵۹	۰/۵۸۱	۰/۷۳۵	۰/۶۴۲	۰/۶۷۳	۰/۶۰۲	

روایی افتراقی

برای ارزیابی اعتبار افتراقی باید بررسی شود که آیا میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای یک سازه (متغیر پنهان)، بیش‌تر از توان دوم همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر. مقادیر قطر اصلی در جدول ۵، نشان‌دهنده

ریشه دوم AVE و سایر مقادیر نیز نشان‌دهنده همبستگی میان سازه‌ها هستند. ملاحظه می‌شود که تمامی سازه‌ها با شرایط مورد نظر مطابقت دارند بنابراین می‌توان بیان کرد که سازه‌ها از اعتبار افتراقی برخوردارند. زیرا عناصر روی قطر اصلی دارای مقادیری بیش‌تری نسبت دیگر مقادیر هستند.

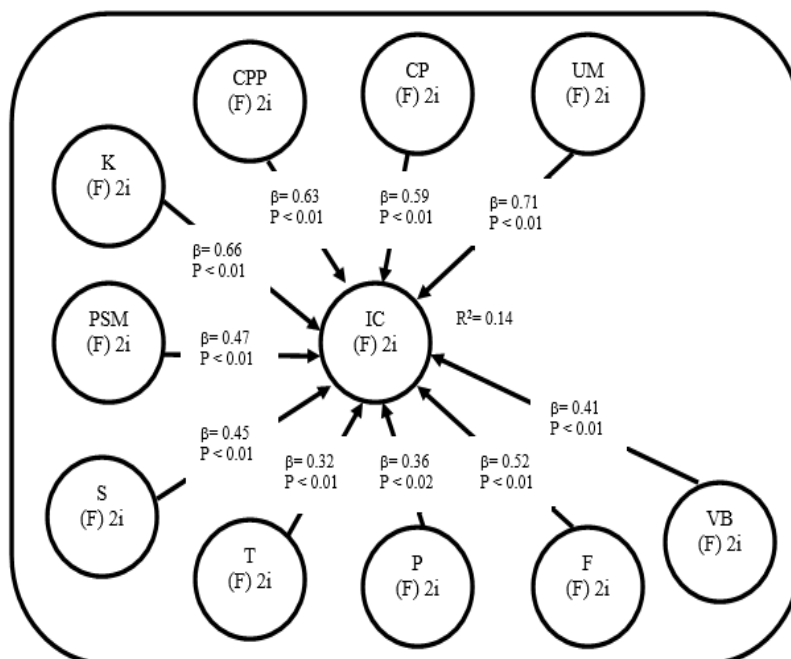
جدول ۵. اعتبار افتراقی سازه‌ها (متغیرهای پنهان)

سازه	سازه	UM	CP	CPP	K	PSM	S	T	P	F	VB
UM	۰/۷۸۴	۰/۱۴۹	۰/۵۰۱	۰/۳۱۸	۰/۲۰۳	۰/۳۷۱	۰/۱۸۵	۰/۰۹۴	۰/۴۱۷	۰/۱۶۹	
CP	۰/۱۵۵	۰/۷۳۵	۰/۴۳۶	۰/۲۶۹	۰/۲۰۳	۰/۳۴۸	۰/۵۰۷	۰/۲۷۷	۰/۰۴۵	۰/۳۶۲	
CPP	۰/۲۸۹	۰/۳۷۷	۰/۷۵۱	۰/۱۸۱	۰/۴۲۹	۰/۱۶۵	۰/۲۶۸	۰/۳۲۲	۰/۱۸۵	۰/۱۷۹	
K	۰/۰۸۳	۰/۲۵۶	۰/۰۹۴	۰/۷۱۶	۰/۳۸۶	۰/۴۰۲	۰/۱۵۲	۰/۴۴۹	۰/۲۶۴	۰/۱۲۶	
PSM	۰/۳۱۶	۰/۱۴۹	۰/۲۸۵	۰/۱۹۳	۰/۷۲۸	۰/۳۶۷	۰/۳۱۴	۰/۳۶۵	۰/۴۶۲	۰/۰۷۴	
S	۰/۲۹۹	۰/۰۷۴	۰/۲۵۱	۰/۲۵۶	۰/۴۲۵	۰/۷۳۹	۰/۲۳۶	۰/۰۷۶	۰/۳۸۱	۰/۴۱۹	
T	۰/۴۸۱	۰/۳۲۸	۰/۳۶۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۸	۰/۱۸۹	۰/۷۶۲	۰/۵۰۶	۰/۱۹۶	۰/۲۷۳	
P	۰/۲۷۵	۰/۳۰۹	۰/۱۴۸	۰/۲۷۸	۰/۱۰۹	۰/۳۸۴	۰/۴۷۰	۰/۷۷۹	۰/۱۰۷	۰/۱۸۲	
F	۰/۱۸۱	۰/۴۴۷	۰/۲۷۳	۰/۰۶۲	۰/۳۴۶	۰/۲۹۴	۰/۵۲۵	۰/۱۸۹	۰/۷۱۴	۰/۳۷۲	
VB	۰/۱۲۶	۰/۱۹۳	۰/۳۸۹	۰/۱۹۷	۰/۲۷۲	۰/۴۲۸	۰/۰۷۰	۰/۲۷۴	۰/۱۴۵	۰/۷۳۸	

تحلیل مدل ساختاری

شکل ۴، تحلیل مدل ساختاری را نشان می‌دهد، ضرایب هر یک از مسیرها به نمایش در آمده است. هر یک از ضرایب در صورتی

قابل قبول است که مقدار سطح معناداری آن کم‌تر از ۰/۰۵ باشد.



شکل ۴. مدل ساختاری تحقیق

جدول ۶، سطح معناداری مربوط به هریک از مسیرها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثرگذاری متغیرهای

مطالعه وضعیت موجود شهر در ابعاد مختلف به‌ویژه مطالعه نیازهای گروه‌های سنی مختلف، بهره‌گیری از تجربیات موفق جهانی در حوزه شهر فراگیر و بومی‌سازی آنها، هماهنگی و مشارکت درون و بین سازمان‌های شهری در اجرای پروژه‌های مربوط به شهر فراگیر و بهره‌مندی از دیدگاه‌های متخصصان مختلف شهرساز، برنامه‌ریز شهری، جامعه‌شناس، روان‌شناس و اقتصاددان در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های شهری بوده که به ترتیب امتیاز هر کدام ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۶۹ و ۰/۶۶ محاسبه شده است.

مورد بررسی معنادار بودن رابطه بین مؤلفه‌ها و تحقق شهر فراگیر تبریز را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌دهند. در این بین بیش‌ترین تأثیرگذاری بر تحقق شهر فراگیر تبریز مربوط به متغیرهای مدیریت واحد، دانش‌محوری، محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها و هماهنگی و مشارکت می‌باشد که به ترتیب ضرایب استخراج شده براساس مدل ساختاری تحقیق برای هر کدام ۰/۷۱، ۰/۶۶، ۰/۶۳ و ۰/۵۹ بوده است. در بین مؤلفه‌های فرعی نیز بیش‌ترین تأثیرگذاری بر تحقق شهر فراگیر تبریز مربوط به متغیرهای وجود یک کانون رهبری فراسازمانی برای

جدول ۶. معناداری ضرایب مسیر

مسیر	ضریب مسیر	سطح معناداری	نتیجه
IC <<<<<<< UM	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰	تایید
IC <<<<<<< CP	۰/۵۹۴	۰/۰۰۲	تایید
IC <<<<<<< CPP	۰/۶۳۱	۰/۰۰۰	تایید
IC <<<<<<< K	۰/۶۶۴	۰/۰۰۶	تایید
IC <<<<<<< PSM	۰/۴۷۳	۰/۰۰۱	تایید
IC <<<<<<< S	۰/۴۵۲	۰/۰۰۴	تایید
IC <<<<<<< T	۰/۳۲۰	۰/۰۰۲	تایید
IC <<<<<<< P	۰/۳۶۱	۰/۰۰۷	تایید
IC <<<<<<< F	۰/۵۲۴	۰/۰۰۰	تایید
IC <<<<<<< VB	۰/۴۱۱	۰/۰۰۵	تایید

جدول ۷ می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری تحقیق حاضر از قدرت کافی برخوردار است.

قدرت پیش‌بینی مدل طراحی شده با استفاده از مقدار ضریب، برای متغیرهای وابسته تحلیل می‌شود، مقادیر بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۱ را برای ضریب تعیین قید کرده‌اند. با توجه به اطلاعات

جدول ۷. ضرایب تعیین متغیرهای وابسته

شاخص	متغیرهای وابسته
R ²	IC
۰/۱۴۳	

آزمون استون-گیسر برای متغیرهای مورد بررسی برابر با ۰/۱۳۶ است.

براساس آزمون استون-گیسر، (جدول ۸)، چون مقادیر آزمون گیسر بالاتر از صفر محاسبه شده است، نشان می‌دهد که مدل در نظر گرفته شده، ظرفیت و توان پیش‌بینی لازم را دارد. ضریب

جدول ۸. آزمون استون-گیسر

شاخص	متغیرهای وابسته
Q ²	IC
۰/۱۳۶	

در تحقق این رویکرد در کلان‌شهر تبریز را به‌صورت جدول ۹، ارائه کرد.

پس از بررسی شاخص‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر تبریز بر مبنای مدل حداقل مربعات جزئی، می‌توان ضعف‌های موجود

جدول ۹. موانع موجود در راستای تحقق شهر فراگیر تبریز

مؤلفه‌های تأثیرگذار	کاستی‌ها
مدیریت واحد	تفرق عملکردی در سازمان‌های شهری، عدم شفافیت در برنامه‌ها، عدم وجود روابط افقی و عمودی مناسب در سیستم مدیریت شهری و همچنین نبود دیدگاه کل‌نگر و همه‌جانبه‌نگر باعث گردیده که اداره شهر و برنامه‌ریزی در راستای فراگیر بودن آن به‌طور مناسب انجام نگیرد.
هماهنگی و مشارکت	حاکمیت رویکرد تکنوکرات‌گرا در نظام مدیریت شهری تبریز باعث گردیده که تمرکزگرایی بر سیستم غلبه داشته و هماهنگی و مشارکت بین سازمانی و سازمان‌های شهری با مردم نادیده گرفته شود.
محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها	عدم بهره‌مندی از طرح‌های انعطاف‌پذیر و آینده‌نگر، عدم موضوع‌شناسی مناسب متغیرهای مختلف، همچنین عدم ظرفیت‌سنجی و امکان‌سنجی مناسب.
دانش محوری	عدم بهره‌مندی از رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و همچنین عدم استفاده از برنامه‌های موفق جهانی و بومی‌سازی آنها.
مدیریت پاسخگو و حامی	عدم وجود نهادهای حامی از اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر و عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مدیران و مسئولان نسبت به عملکرد خود.
ایمنی	عدم نظارت و تنبیهات مناسب در راستای کاهش ناامنی‌ها به‌ویژه در حوزه عبور و مرور.
حمل و نقل	عدم بهره‌مندی از رویکردهای حمل و نقل سبز و هوشمند و افزایش آسیب‌ها برای برخی از اقشار و همچنین افزایش آلودگی هوا.
کالبد	عدم تعبیه میلمان مناسب برای گروه‌های سالمند در معابر، عدم توجه به نیازهای کودکان در برنامه‌ریزی کالبدی و همچنین عدم وجود رمپ‌های مناسب برای افراد معلول.
عملکرد	عدم پاسخگویی فضاهای مختلف برای نیازهای زمانی و مکانی و همچنین برای نیازهای اقشار و گروه‌های سنی و جنسی مختلف.
سرزندگی و زیبایی	عدم تأکید بر رویکردهای زیباسازی در نظام اداره‌کننده شهر و بی‌رویی و پژمردگی فضاهای شهری.

بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر با توجه به افزایش نابرابری‌ها در سطح شهرها، رویکردی به‌عنوان شهر فراگیر توسط سازمان‌های بین‌المللی و همچنین صاحب‌نظران مختلف مطرح گردیده است که به‌دنبال دستیابی به جامعه‌ای پایدار از طریق توزیع فضایی متعادل خدمات، منافع، منابع و امکانات برای تمامی اقشار و گروه‌های سنی و جنسی می‌باشد. در این راستا، نیاز است تا شاخص‌های تأثیرگذار بر تحقق این نوع شهر مورد تحلیل قرار گرفته و برنامه‌ریزی از این طریق انجام گیرد. بدین منظور تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر در کلان‌شهر تبریز اجرا گردید.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در نظام مدیریتی کلان‌شهر تبریز، بخشی‌نگری و نبود دیدگاه کل‌گرایانه، عدم تأکید بر برنامه‌ریزی پایین به بالا و محلی و فقدان توانمندسازی ساکنان به‌ویژه در مناطق محروم و آسیب‌پذیر از چالش‌های اساسی نظام مدیریتی و تحقق شهر فراگیر محسوب می‌گردد. همچنین عدم اتحاد و مشارکت بین مسئولان و ساکنان محلی، عدم حمایت نهادهای محلی از افراد آسیب‌پذیر (سالخورده‌گان، کودکان و زنان)، عدم ارزیابی‌های نیازهای اقشار و گروه‌های سنی و جنسی مختلف به‌صورت مستمر در بازه‌های زمانی مشخص و نارسایی در شناسایی هوشمند افراد آسیب‌پذیر ازجمله مسائل عمده ناشی از ضعف نظام مدیریتی کلان‌شهر تبریز می‌باشد. بنابراین ضروری

است در کلان‌شهر تبریز به سوی فراگیر شدن برای همه دسته‌ها و افراد، اعم از غنی و فقیر، اکثریت و اقلیت و ... پیش برویم تا همه مردم، شهر را از آن خود بدانند و هیچ فرد، دسته و گروهی خود را مطرود و رانده شده و منزوی و بی‌اهمیت نداند، زیرا این طرد و انزوا خود آغازی است بر فعالیت‌های مخرب انتقام‌جویانه و ایجاد سرخوردگی اجتماعی و نیز باعث می‌شود تا خلاقیت‌ها و سلیقه‌های متفاوت نتوانند در عرصه مدیریت و شکوفایی شهر ایفای نقش نموده و به این ترتیب دچار درج‌ازدن و عقب رفتن در مسیر تعالی و پیشرفت شهر می‌گردد. بنابراین لازم است قدم‌های جدی و مؤثر در جهت تحقق شهر فراگیر برداشته شود. در این راستا، تأکید بر ابعاد قابل برنامه‌ریزی با توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود و ارتقاء ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و نظام مدیریتی با رویکرد حکمروایی شهری از اهمیت قابل‌توجهی برخوردارند.

همچنین بر مبنای نتایج به‌دست آمده، تأکید بر مدیریت واحد و کاهش تفرق‌های عملکردی در سازمان‌های شهری و شکل‌گیری دیدگاه کل‌نگر، هماهنگی و مشارکت بین سازمان‌ها و بین سازمان‌های شهری با مردم، بهره‌مندی از طرح‌های انعطاف‌پذیر و آینده‌نگر با موضوع‌شناسی مناسب متغیرهای مختلف، بهره‌مندی از رویکردهای نوین و تخصص‌های مختلف در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، تأکید بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی حمایت‌کننده از اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر و طراحی فضاهای شهری همه‌شمول با درنظرگیری نیازهای

مختلف زمانی و مکانی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق شهر فراگیر تبریز می‌باشد.

در نهایت بررسی تطبیقی پژوهش حاضر با پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد که در پژوهش‌های گذشته بیش‌تر دسترسی به یکی از ابعاد و مؤلفه‌های شهر فراگیر مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال رحیم‌زاد مدنی و همکاران (۱۴۰۰)، دسترسی‌پذیری گروه‌های آسیب‌پذیر به خدمات اساسی، دای (۲۰۱۱) و لاروسا و همکاران (۲۰۱۸)، دسترسی به فضاهای سبز و مایود و همکاران (۲۰۱۹)، دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین در برخی پژوهش‌ها همچون اسدزاده و همکاران (۱۴۰۱)، وضعیت یک شهر در ابعاد مختلف بهداشت و درمان، حکمروایی، فرهنگ و گردشگری، آموزش، مسکن، حمل‌ونقل، زیرساختار، شهروندان، تجارت و سیستم مالی و در برخی نیز مانند السایل و همکاران (۲۰۲۲)، ارتباط شهر فراگیر با سایر رویکردهای برنامه‌ریزی شهری مثل شهر خلاق مورد تحلیل قرار گرفته است. درحالی‌که بر مبنای گفت‌وگوهای بین‌المللی «سازمان ملل متحد (۲۰۰۱) و بانک توسعه آسیا (۲۰۲۲)» و دیدگاه صاحب‌نظرانی چون داگلاس (۲۰۱۷) و اسپینو (۱۴۰۱)، تغییر در ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و نظام مدیریتی شهرها در راستای تحقق این رویکرد ضروری می‌باشد و صرف شناخت وضعیت موجود مرحله اول محسوب می‌گردد. از این‌رو می‌توان عنوان کرد که با توجه به وضعیت نامناسب در اکثر شهرهای کشورهای در حال توسعه از منظر عدم تعادل‌های فضایی و تحقق شاخص‌های شهر فراگیر، نیاز به شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق این رویکرد در ابعاد مختلف احساس می‌گردد و پژوهش حاضر با این هدف در کلان‌شهر تبریز انجام گرفته است. در این راستا، مدیریت واحد، دانش‌محوری، محتوای طرح‌ها و برنامه‌ها و هماهنگی و مشارکت با دربرگیری انواع زیرمتغیرها از عوامل اصلی تحقق شهر فراگیر تبریز شناسایی شده‌اند که با توجه به وضعیت مشابه سایر شهرهای ایران از منظر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و نظام مدیریتی قابلیت تعمیم به آن‌ها را نیز دارا می‌باشد.

راهکارها

با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- مشارکت

✓ مشارکت مردم در تمام فرایند طراحی محیط و همچنین تصمیم‌گیری‌ها؛

✓ توسعه محیط به شکلی که موجب ایجاد مکان‌هایی شود که افراد بتوانند برای ایجاد جوامع سرزنده، قوی و پایدار از آن‌ها

استفاده نمایند؛

✓ فراهم نمودن زمینه و ترغیب مردم به مشارکت فعال با نظرسنجی از اقصای مختلف و گروه‌های سنی و جنسی و شناخت ترجیحات آن‌ها؛

- تنوع و تفاوت

✓ استقبال از تنوع افراد در طراحی شهر فراگیر و رفع موانع استفاده افراد معلول و سالمندان و توجه به نیازهای افراد با اختلالات ذهنی، کاربران استفاده‌کننده از ابزارهای کمک حرکتی و ...؛

✓ مدنظر قرار دادن تنوع و تفاوت در طراحی فضاهای شهری و تحقق دیدگاه کل‌نگر و کاهش بخشی‌نگری؛

✓ توجه به شرایط و نیازهای افراد آسیب‌پذیر در تدوین ضوابط شهرسازی و ارائه پایان کار هر ساختمان و کاربری براساس نیازهای افراد آسیب‌پذیر و کم‌توان؛

- ایمنی

✓ ارائه گزینه‌های متفاوت طراحی شهر فراگیر و توجه عادلانه به همه افراد در جایی که یک راه‌حل پاسخگوی همه کاربران نباشد؛

- انعطاف‌پذیری

✓ انعطاف‌پذیر بودن در عمل در طراحی شهر فراگیر
✓ درک از چگونگی استفاده از فضا و اینکه چه کسانی از آن استفاده می‌کنند برای بکارگیری اصول طراحی شهر فراگیر؛

✓ بهره‌مندی از دیدگاه افراد باصلاحیت دانشی و افراد متخصص از حوزه‌های مختلف برای ارائه و اجرای طرح‌های متناسب با مکان و نیاز موجود؛

- تعادل فضایی

✓ توجه به تعادل فضایی در توزیع امکانات و منافع برای کاهش نابرابری‌های فضایی در دسترسی به انواع خدمات و کاهش فشار به بخش‌های متراکم و شلوغ شهر؛

✓ ضرورت شناخت عدم تعادل‌های فضایی در ابعاد مختلف و بازاندیشی در ساختار اقتصادی-اجتماعی شهر؛

✓ بهره‌گیری از رویکرد مدیریتی یکپارچه و کاهش تفرق‌های مدیریتی-عملکردی با بهره‌مندی از دیدگاه‌های متخصصان مختلف شهرساز، برنامه‌ریز شهری، جامعه‌شناس، روان‌شناس و اقتصاددانان با درنظرگیری رویکرد جامع‌نگر و جلوگیری از بخشی‌نگری؛

✓ تهیه طرح‌های منعطف و آینده‌نگر با بهره‌مندی از تجربه‌های موفق جهانی و موضوع‌شناسی مناسب و تفکیک مداخله‌ها در بافت‌ها و مناطق مختلف در یک رویکرد هماهنگ و مشارکتی؛

✓ ایجاد دفاتر تسهیل‌گری در مناطق محروم در سطح خرد (که

سیاسگزاری

مطالعه حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان تدوین الگوی تحقق توسعه پایدار بر مبنای شاخص‌های شهر فراگیر (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز) با حمایت دانشگاه بزرگمهر قائنات می‌باشد و از دانشگاه بزرگمهر قائنات به خاطر حمایت مالی از طرح سپاسگزاری می‌نماییم.

چندین نوع از این دفاتر در سال‌های گذشته ایجاد گردیده‌اند به‌منظور شناسایی افراد آسیب‌پذیر و توانمندسازی آنها؛
✓ ارتقای امنیت عبور و مرور برای افراد آسیب‌پذیر،
هوشمندسازی حمل‌ونقل، طراحی فضاهای عمومی همه‌شمول
و ارتقاء سرزندگی فضاهای شهری با ایجاد انواع عناصر مبلمان،
آبنما، درختان، گیاهان و ... بایستی در نظام برنامه‌ریزی و
مدیریتی شهر.

References

- Alsayel, A., de Jong, M., & Fransen, J. (2022). Can creative cities be inclusive too? How do Dubai, Amsterdam and Toronto navigate the tensions between creativity and inclusiveness in their adoption of city brands and policy initiatives? *Cities*, 128, 103786. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103786>
- Asadzadeh, H., Hatami, A., & Sasanpour, F. (2022). Measuring the condition of Tehran Metropolitan based on Ubiquitous city indicators. *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 22(67), 301–316. (In Persian) <https://doi.org/10.52547/jgs.22.67.301>
- Asian Development Bank. (2022). *Inclusive cities urban area guidelines*. Manila, Philippines.
- Belabas, W., & George, B. (2023). Do inclusive city branding and political othering affect migrants' identification? *Experimental evidence*. *Cities*, 133, 104119. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104119>
- Capanema-Alvares, L., & Barbosa, J. L. (2018). *Urban Public Spaces, From Planned Policies to Everyday Politics (Illustrated with Brazilian Case Studies)*. The urban book series, Springer.
- Cheliotis, K. (2020). An agent-based model of public space use. *Computers, Environment and Urban Systems*, 81, 101476. <https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2020.101476>
- Collins, D., & Stadler, S. L. (2020). Public Spaces, Urban. *International Encyclopedia of Human Geography*, 103–111. <https://doi.org/10.1016/b978-0-08-102295-5.10212-4>
- Dai, D. (2011). Racial/ethnic and socioeconomic disparities in urban green space accessibility: Where to intervene? *Landscape and Urban Planning*, 102(4), 234–244. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.05.002>
- De Oliveira Neto, J.S. (2018). *Inclusive Smart Cities: theory and tools to improve the experience of people with disabilities in urban spaces*. (Doctoral dissertation, Université Paris Saclay (COMUE); Universidade de São Paulo (Brésil)).
- Douglas, R. (2017). *Building Inclusive Cities: Highlights from the Inclusive Cities Project. Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing (WIEGO)*. Manchester, United Kingdom.
- Ganji, K., & Hajjati, F. (2015). *Statistics questions and research methods of the doctoral exam in educational management*. Tehran, Roshd Publications. (In Persian)
- Gao, S., Xiong, Q., & Yu, J. (2023). Conceptualization and measurement of water inclusive sustainability of China's cities in Yangtze River Economic Belt. *Sustainable Cities and Society*, 92, 104474. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104474>
- Gao, S., Xiong, Q., & Yu, J. (2023). Conceptualization and measurement of water inclusive sustainability of China's cities in Yangtze River Economic Belt. *Sustainable Cities and Society*, 92, 104474. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104474>
- Gilbert, H., Whitzman, C., Pieters, J., & Allan, A. (2018). Children's everyday freedoms: Local government policies on children and sustainable mobility in two Australian states. *Journal of Transport Geography*, 71, 116–129. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2018.07.007>
- Goldsmith S. (2000). *UNIVERSAL DESIGN A Manual of Practical Guidance for Architects*. Architectural Press.
- Gong, W., & Lyu, H. (2017). *Sustainable City Indexing: Towards the Creation of an Assessment Framework for Inclusive and Sustainable Urban-Industrial Development*. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO).
- Joy, M., Marier, P., & Séguin, A.-M. (2020). *Age Friendly Cities: A panacea for aging in place?* In V.

- Billette, P. Marier, & A-M Séguin (Eds.). Getting Wise about Getting Old: Debunking Myths about Aging (pp. 64–72). Vancouver: University of British Columbia Press.
- Ren, K., & Xu, L. (2017). Dataset on energy efficiency assessment and measurement method for child-friendly space in cold residential area. Data in Brief, 14, 148–155. <https://doi.org/10.1016/j.dib.2017.07.032>
- Kendig, H., Elias, A.-M., Matwijiw, P., & Anstey, K. (2014). Developing Age-Friendly Cities and Communities in Australia. Journal of Aging and Health, 26(8), 1390–1414. <https://doi.org/10.1177/0898264314532687>
- La Rosa, D., Takatori, C., Shimizu, H., & Privitera, R. (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces. Sustainable Cities and Society, 36, 346–362. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.10.026>
- Lanza, G., Pucci, P., & Carboni, L. (2023). Measuring accessibility by proximity for an inclusive city. Cities, 143, 104581. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104581>
- Lee, S.H., Han, J. H., Leem, Y.T., & Yigitcanlar, T. (2008). Towards ubiquitous city: concept, planning, and experiences in the Republic of Korea. In *Knowledge-based urban development: Planning and applications in the information era* (pp. 148–170). IGI Global.
- Lemaire, X., & Kerr, D. (2017). *Inclusive Urban Planning—Promoting Equality and Inclusivity in Urban Planning Practices*. UCL Energy Institute / SAMSET Policy Note.
- Livingston, A. (2008). *Disability Policy and Practice*. At the University of Saskatchewan.
- Mandeli, K. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study. Cities, 95, 102409. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102409>
- Master plan of Tabriz. (2016). *Consulting Engineers of Role of Environment, Ministry of Roads and Urban Development*, General Department of Roads and Urban Development of East Azerbaijan Province, approved on 2016/11/14. (In Persian)
- Mayaud, J. R., Tran, M., & Nuttall, R. (2019). An urban data framework for assessing equity in cities: Comparing accessibility to healthcare facilities in Cascadia. Computers, Environment and Urban Systems, 78, 101401. <https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2019.101401>
- Micek, M., & Staszewska, S. (2019). Urban and Rural Public Spaces: Development Issues and Qualitative Assessment. Bulletin of Geography. Socio-Economic Series, 45(45), 75–93. <https://doi.org/10.2478/bog-2019-0025>
- Mohareb, N., Elsamahy, E., & Felix, M. (2019). A child-friendly city: a youth creative vision of reclaiming interstitial spaces in El Mina (Tripoli, Lebanon). Creativity Studies, 12(1), 102–118. <https://doi.org/10.3846/cs.2019.6171>
- Norani, A. (2004). *Facilitating the application, training and executive evaluation of city planning and architecture rules and regulations for physically-motor disabled people*. Tehran, Iran Urban Planning and Architecture Study and Research Center. (In Persian)
- Ostroff, E. (2000). *Universal Design: The New Paradigm*. Adaptive Environments Center.
- Parnell, S. (2016). Defining a Global Urban Development Agenda. World Development, 78, 529–540. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2015.10.028>
- Rachmawati, R. (2017). Inclusive Cities: The New Issue in Urban Development. Journal of Advances in Social Sciences, Education, and Human Research, 79, 160–165. <https://doi.org/10.2991/icge-16.2017.32>
- Rahimzad Madani, K., Rafeian, M., & Dadashpour, H. (2021). Spatial Analysis of Vulnerable Group Accessibility to Public Services Using an Inclusive City Approach (case study: Tehran Metropolis). Geographical Urban Planning Research, 9(1), 93–117. (In Persian) DOI: [10.22059/jurbangeo.2020.308331.1350](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.308331.1350)
- SACN. (2017). *Inclusive Cities 2008*. Sout African Cities Network: Braamfontein.
- Sadeque, S.Z. (2009). *Inclusive Planning for Social Integration: A Short Notes*. UN Habitat.
- Satispi, E. (2019). Policy Development of the Child-Friendly City: Case Study of South Tangerang City Regional Government. International Journal of Social and Administrative Sciences, 3(2), 105–112. <https://doi.org/10.18488/journal.136.2018.32.105.112>
- Shah, P., Hamilton, E., Armendaris, F., & Lee, H. (2015). *World-Inclusive Cities Approach Paper*. Washington, D.C.: World Bank Group.
- Singru, R., & NaikLindfield, M.R. (2017). *Enabling Inclusive Cities: Tool Kit for Inclusive Urban*

- Development*. Asian Development Bank: Mandaluyong, Philippines.
- Spino, N.A. (2022). *Building an inclusive city: theory and action in confronting urban segregation*. translated by Mahmoud Shoorjeh. Tehran, Tehran City Planning and Studies Center. (In Persian)
- UN-Habitat. (2001). *Inclusive Cities Initiative: The Way Forward*. Nairobi: UN Habitat.
- United Nations. (2019). Department of Economic and Social Affairs, Population Division. World urbanization prospects: the 2018 revision (ST/ESA/SER.A/420). New York: United Nations; 2019 Accessed online January 2020 <https://population.un.org/wup/Publications/Files/WUP2018-Report.pdf>.
- van Hoof, J., Marston, H. R., Kazak, J. K., & Buffel, T. (2021). Ten questions concerning age-friendly cities and communities and the built environment. *Building and Environment*, 199, 107922. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2021.107922>
- Yigitcanlar, T., & Lee, S. H. (2014). Korean ubiquitous-eco-city: A smart-sustainable urban form or a branding hoax? *Technological Forecasting and Social Change*, 89, 100–114. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2013.08.034>
- Wang, X., & Liu, Z. (2022). Neighborhood environments and inclusive cities: An empirical study of local residents' attitudes toward migrant social integration in Beijing, China. *Landscape and Urban Planning*, 226, 104495. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104495>
- Zhao, R., de Jong, M., & Edelenbos, J. (2023). Will the true inclusive city rise? Mapping the strengths and weaknesses of the city ranking systems. *Cities*, 143, 104617. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104617>